

سبک‌های هویت‌یابی و جهت‌گیری‌های ارزشی (مورد مطالعه: جوانان شهر سنندج)

یعقوب احمدی *

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۲۴ تاریخ بازنگری: ۹۷/۰۸/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۹/۲۴

چکیده

مطالعه حاضر در واقع پژوهشی در حوزه روانشناسی اجتماعی است و به بررسی وضعیت جهت‌گیری‌های ارزشی جوانان شهر سنندج (۱۸-۲۹) که بازتاب اهداف متعالی و مطلوب و اولویت‌های کنشی و باوری آن‌هاست در پیوند با سبک‌های هویتی می‌پردازد. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی از نوع همبستگی، کاربردی و پیمایشی و مقطعی است (نیمه دوم سال ۲۰۱۷). حجم نمونه مقتضی ۳۴۵ نفر و نمونه‌گیری نیز به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام گرفته است. یافته‌های تجربی حاکی از ارتباط معنادار و مثبت میان سبک هویت‌یابی اطلاعاتی با ابعاد آمادگی برای تغییر و شاخص موفقیت در بعد خودافزایی ارزش‌های فرهنگی؛ سبک هنجاری با بعد محافظه‌کاری و نهایتاً سبک هویت‌یابی آشفته با ارزش‌های فرهنگی در راستای تأکید بر منافع فردی مانند ارزش‌های مربوط به خودافزایی است. به لحاظ نظری، می‌توان عنوان نمود که علی‌رغم تمرکز بر جنبه‌های متمایز، نوعی یکپارچگی نظری، محتوایی و پیش‌فرض‌های همپوشان به‌ویژه در رابطه با انگیزه‌های انسانی در این دو گونه‌شناسی (سبک‌های هویت‌یابی و ارزش‌های فرهنگی) و بحث نظری در راستای خود، هویت و فرهنگ وجود دارد. چنین وضعیتی را بیش از همه می‌توان به تعبیری وبری به‌مثابه نوعی رابطه یا هماهنگی انتخابی میان سبک‌های هویتی و ارزش‌های فرهنگی تلقی کرد.

واژگان کلیدی: ارزش، فرهنگ، ارزش‌های فرهنگی، هویت، سبک‌های هویت‌یابی.

طرح مسئله

جامعه و فرهنگ چندقومی و چندفرهنگی ایران در گذار از سنت به مدرنیته، دچار تحولات فراوانی شده است. در واقع، ایران و به تبع آن، کردستان در اثر مواجهه با جهان مدرن و گسترش ارتباطات جهانی، تحت تأثیر امواج مدرنیته در صد و اندی سال قبل تا حدود زیادی دگرگون شده است. استفاده از مظاهر تمدن مدرن، "زیست جهان" فرد ایرانی و البته گرد را دچار تحول کرده است به نوعی که دگرگونی کیفی در ابعاد و سبک زندگی (فرهنگی، سیاسی و اجتماعی) و به تبع آن هویت فرهنگی و جمعی را به همراه آورده است. به عبارتی، شواهد حاکی از آن است که جامعه ایران و به ویژه کردستان به عنوان جامعه‌ای در حال گذار، دستخوش تغییرات و دگرگونی‌هایی در شیوه زندگی و به ویژه ارزش‌های فرهنگی شده است. در این میان دگرگونی ارزشی به عنوان مبنایی برای تغییر در سایر ساخت‌های زیست جهان فرد ایرانی اهمیت خاصی داشته است.

ارزش‌ها بازتاب اهداف متعالی و مطلوب فراتر از موقعیت‌های خاص هستند؛ اهمیت آن‌ها متفاوت است و ارزیابی‌ها و رفتار افراد و گروه‌ها را هدایت می‌کنند. به عبارتی، ارزش‌ها بازتاب ترجیحات و اولویت‌ها در مورد ایده‌آل‌ترین و ناب‌ترین وضعیت امور هستند. ارزش‌ها از بنیادی‌ترین عوامل جهت دهنده رفتارهای انسانی در هر جامعه‌ای به شمار می‌آیند (Lee et al, 2016: 1). به باور روکیچ، ارزش، عقیده یا باور نسبتاً پایداری است که فرد با تکیه بر آن یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی را که شخصی یا اجتماعی است، به یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی که در نقطه مقابل حالت برگزیده قرار دارد، ترجیح می‌دهد. ارزش‌ها در رابطه با فرهنگ جامعه و رفتارهای انسان‌ها نقش دوگانه‌ای را ایفاء می‌کنند؛ از یک‌سو، نیروی ساختار دهنده رفتار بشری به شمار می‌آیند و از جهت دیگر، الگوی ساختار بندی شده فرهنگ غالب جامعه تلقی می‌شوند. در واقع، ارزش‌ها درونی‌ترین لایه‌های شخصیت انسان‌ها هستند و شناخت مطلوب واقعیت‌های درونی هر کس منوط به شناخت ارزش‌ها و گرایش‌های ارزشی اوست. شوارتز مطابق با نظر وبر (1958)، هافستد (1984) و اینگلهارت (2000) ارزش‌های رایج در جامعه را مهم‌ترین و اصلی‌ترین ویژگی فرهنگ تلقی می‌کند. وی (2006) فرهنگ را مجموعه‌ای غنی از معانی، باورها، اعمال، نمادها، هنجارها و ارزش‌های رایج در میان مردم جامعه قلمداد می‌کند. براساس نظر شوارتز (1992)، ارزش‌های انسانی اعتقادات ذهنی و نگرش‌هایی درباره اهدافی مطلوب هستند که زندگی مردم را هدایت می‌کنند. شوارتز دسته‌بندی‌های مختلفی از ارزش‌های فرهنگی ارائه

سبک‌های هویت‌یابی و جهت‌گیری‌های ارزشی ... ۱۰۱

داده و نحوه گذار جوامع مبتنی بر ارزش‌ها را به ترسیم می‌کشد. دسته‌بندی‌های شوارتز تحت عنوان ارزش‌های فرهنگی در ده زیرمجموعه از سنت و محافظه‌کاری تا عام‌گرایی و جهان‌شمول‌گرایی تنوع می‌پذیرد. بر این اساس و به باور شوارتز و همکاران، می‌توان افراد و جوامع را مبتنی بر نوع ارزش‌های موردتوجه آنان، دسته‌بندی نموده و تفکیک نمود.

علاوه بر آن، ارزش‌ها مانند سایر واقعیت‌های اجتماعی ساختارهای دوجوهی و دوساحتی "اثرگذار-اثرپذیر" دارند. اگرچه به‌منزله متغیری مستقل، زیربنایی و اثرگذار در فهم نگرش‌ها و رفتارهای انسانی و البته تغییرات جوامع مطرح نظر بوده‌اند، در سویه دیگر به‌مثابه متغیری وابسته تحت تأثیر ساختارها، تعاملات و تمایزات اجتماعی شکل، محتوا و کیفیت‌های متفاوت به خود می‌گیرند. یکی از مقولاتی که در جوامع معاصر بر تنوع ارزش‌ها و گونه‌بندی آن‌ها اثر برجسته‌ای برجای می‌گذارد، سبک‌های هویتی هستند. چنین عنوان می‌شود که در گذشته، ارزش‌های مذهبی و نهادی همواره به‌عنوان معیارهای اکثر افراد برای تعیین هویت و حس تعلق مورد استفاده قرار می‌گرفت. در جهان مدرن، اما با تضعیف و تردید در مورد ارزش‌های سنتی، رشد فرصت‌های آموزشی و تحصیلی، اشتغال، تغییر در سبک زندگی و غیره، تنوع ارزش‌ها بسیار بیش از گذشته افزایش یافته و نسل جدید با چالش جدی در جستجوی جهت‌گیری‌های ارزشی متفاوت و انتخاب‌های زندگی و در نهایت شکل‌دهی به حس فردی شده هویت مواجه هستند. از این منظر، هویت و هویت‌یابی می‌تواند انتخاب‌های ارزشی، فرهنگی و در کل، زندگی افراد را در جهت‌های خاص هدایت کند. اساساً واژه غامض، پیچیده و بنیادین هویت مفهومی است منحصر به حیات فردی و اجتماعی انسان و بر آگاهی ناشی از تجربه شباهت و تمایز استوار است. در نگاه جامعه‌شناختی و در دیدگاه استوارت‌هال، هویت محصول شرایط اجتماعی و کنش انسان‌هاست و به نظر لاکان، هویت‌پذیری به صورتی امری برساخت اجتماع است. به باور کاستلز (۲۰۰۰)، هویت فرایند ساخته شدن معنا بر پایه یک ویژگی فرهنگی یا دسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی است که بر دیگر منابع معنا برتری دارند. بارزترین وجه معرفتی هویت در روانشناسی اجتماعی در سالیان اخیر در حوزه مطالعاتی است که به نام سبک‌های هویتی معروف شده است و از جمله مهم‌ترین آن‌ها متعلق به مارسیا (1966) و مایکل برزونسکی است (1990؛ 2011؛ 2014). برزونسکی تفاوت‌های سبکی در نحوه درگیری یا مدیریت افراد برای اجتناب از وظیفه ساخت هویت فردی را معرفی می‌کند (Berzonsky, 97: 2014). برزونسکی سه سبک هویتی را تعریف کرد که هرکدام دارای استراتژی‌های

خاصی هستند؛ هویت آشفته؛ هنجاری و اطلاعاتی. این سبک‌ها اشاره به راهبردها یا فرایندهای برخورد با تعارض‌های هویت دارد؛ به عبارت دیگر سبک‌های هویت ترجیح نسبی افراد برای به‌کارگیری شیوه‌های خاص مسائل هویتی و پردازش اطلاعات مربوط به خود است. این باور جدی در میان طراحان ایده سبک‌های هویتی وجود دارد که یکی از علل تفاوت میان افراد در روبرو شدن با مسائل و موقعیت‌های گوناگون فردی و اجتماعی، تفاوت پایگاه یا سبک هویتی آنان است.

همچنین، در سال‌های اخیر با شدت یافتن فرایند مدرنیزاسیون (البته نوساندگی بی‌تجدد، مدرنیته ناقص، مدرنیزاسیون بدون مدرنیته و...)، افزایش نرخ‌های باسوادی و تحصیلات عالی، گسترش اشکال مدرن رسانه‌های ارتباطی مانند ماهواره، اینترنت و اخیراً شبکه‌های اجتماعی مجازی و شکل‌گیری تغییرات فرهنگی-اجتماعی (صوری-محتوایی) متناسب با آن، جامعه و فرهنگ کردستان ایران نیز در حال تجربه نوعی گذار است که دارای ویژگی‌های خاص خود بوده و پیامدهای متعددی نیز برای فرهنگ و هویت‌گردها به دنبال دارد؛ به‌گونه‌ای که جوانان در اثر ارتباط نزدیک با علایق و ظواهر جذاب رسانه‌ای ماهواره، به مهاجرت به سوی غرب از یک طرف و بی‌تفاوتی نسبتاً شدید به مسائل و علایق فرهنگی سنتی خود از طرف دیگر تمایل می‌یابند (Sahabi, Agha Bigpour, 2010: 136). از این رو، به نظر می‌رسد مرحله بعدی حیات این نسل در راستای تداوم سنت و فرهنگ بومی آن‌ها نباشد. این امر در ابتدا به بحران هویت و سپس به تغییر هویت می‌انجامد (Gentz, 2006: 276). نمود و نقطه کانونی چنین تغییراتی در اشکال هویت‌یابی نوجوانان و جوانان کردستانی قابل‌ملاحظه است و چنین به نظر می‌رسد که سبک هنجاری که مهم‌ترین ویژگی آن تابعیت و اهمیت دیگران، جمع و انتظام اجتماعی و پیروی از تجویزها و انتظارات افراد مهم است و پیش‌تر به‌عنوان سبک مسلط در هویت‌یابی جوانان نسل‌های پیشین با اهمیت قلمداد می‌شد، امروزه جای خود را به سبک‌های هویتی اطلاعاتی که عمده تأکید آن بر خرد خوبنیاد و استقلال فردی و کنکاش و جستجو در زمینه یافتن هویت مطلوب است، داده است که تبعات آن را نیز می‌توان در اولویت‌بندی ارزش‌های فرهنگی (Ahmadi, 2014) و تمایل به کسب هویت فرهنگی خاص در مقابل دیگری (Ahmadi & Ghaderzadeh, 2014) مشاهده نمود. بنابراین و با توجه به تفصیل فوق، پرسش اساسی نوشتار حاضر در وهله اول حول محور گونه‌شناسی ارزش‌ها و سبک‌های هویتی جوانان سنندجی قرار دارد و در گام بعد، در راستای توصیف و تشریح

ارتباط میان این دو مؤلفه مهم در حیات فردی و اجتماعی جامعه جوان شهری سنندج خواهد بود و از این رو پاسخ به این پرسش که چه ارتباطی میان سبک‌های هویتی و ارزش‌های فرهنگی جوانان ۱۹-۲۹ سال شهر سنندج وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

در حقیقت، اگرچه دو مفهوم و سنجه سبک‌های هویتی و جهت‌گیری‌های ارزشی موضوعات مهم و البته با سابقه در جامعه علمی جهان و ایران هستند، اما مطالعات اندکی به بررسی هم‌زمان هر دو مقوله پرداخته‌اند و اصولاً، مطالعه چندانی به‌ویژه از منظر ارتباط میان این دو مفهوم در ایران انجام نپذیرفته است؛ و مطالعه حاضر از این منظر که روابط متقابل و متقاطع میان دو مفهوم را می‌سنجد، مطالعه‌ای تازه و جدیدی محسوب می‌گردد.

مهم‌ترین و مرتبط‌ترین مطالعه به موضوع حاضر را مایکل برزونسکی و همکاران (2011؛ 2014) در رابطه با پیوند سبک‌های هویتی و جهت‌گیری‌های ارزشی انجام داده‌اند. برزونسکی و همکاران در مطالعه نخست (2011) با بررسی ارتباط میان سبک‌های فرایندی هویتی (اطلاعاتی، هنجاری و آشفته) و ارزش‌های فرهنگی به این نتیجه رسیده‌اند که سبک هویت‌یابی اطلاعاتی ارتباط مثبت و معناداری با ارزش‌های استقلال و تأکید بر حس فردی دارد، در حالی که سبک هویتی هنجاری با ارزش‌هایی مانند امنیت و سنت رابطه مثبت و معناداری دارد و نهایتاً سبک هویت‌یابی اجتنابی-آشفته بیش از همه با ارزش‌های لذت‌گرایی و قدرت ارتباط معناداری داشته است. برزونسکی و همکاران همچنین در مطالعه اخیر (2014) نتایج مطالعه نخست را مورد تأکید قرار داده و بر این نکته تأکید نمودند که تفاوت‌های فردی در موضوعات خودکنترلی و تعهد خودمعرف^۱ می‌تواند عامل تسهیل‌گر و مداخله‌گر در ارتباط میان سبک‌های هویتی و ارزش‌های فرهنگی به حساب آیند. به‌عنوان نمونه آن‌ها به این نتیجه رسیدند که سطوح بالای خودکنترلی با ارزش‌های سنتی ارتباط مثبت و معنادار داشته و البته با ارزش‌های لذت‌گرایی و رفاه‌طلبی فردی ارتباط منفی و معنادار داشته است. آنا ت بردی و همکاران (2015) در مطالعه‌ای با عنوان "ارزش‌ها و نظریه فرایند هویت: یکپارچگی نظری و تعاملات تجربی" به بررسی ارتباط میان ارزش‌ها و سبک‌های هویتی پرداخته‌اند. آن‌ها در این مطالعه بر نقش میانجی ارزش‌های فردی در پیوندهای هویتی و بروندهای آن تأکید نموده‌اند. نتایج مطالعه حاکی از آن بوده است که

1. Self-defining Commitment

تفاوت‌های فردی در ارزش‌ها، پیوندهای میان انگیزه‌های هویتی و برون‌دادهای هویتی را تعدیل کرده و به‌موجب آن یعنی به‌واسطه تفاوت‌های فردی در ارزش‌ها، این پیوستگی انگیزه‌ها و برون‌دادها برای تمام افراد یکسان نیست. دوریس و همکاران (2011) در مطالعه‌ای درباره سبک‌های هویتی و اهداف زندگی (اولویت‌های ارزشی شوارتز) در میان نوجوانان به این نتیجه رسیدند که رابطه میان این دو متغیر از لحاظ فرایند و محتوا، نوعی رابطه متقابل و دوسویه بوده است. بر این اساس، در مورد اثرات فرایندی، سبک اطلاعاتی و آشفته-اجتنابی به کاهش اهداف محافظه‌کارانه منجر شده و سبک هنجاری به افزایش محافظت و اهداف غیرذاتی منتهی می‌گردد؛ و در رابطه با اثرات محتوایی، اهداف محافظه‌کارانه به تقویت سبک هنجاری منجر شده و اهداف غیرذاتی و بیرونی به فرسایش سبک اطلاعاتی و تقویت سبک آشفته-اجتنابی منجر می‌گردد.

در ایران نیز پورسیفی و رنجبران (2017) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه سبک‌های هویتی، مسئولیت‌پذیری و جهت‌گیری‌های مذهبی پرداخته‌اند. نتایج مطالعه حاکی از آن بوده است که سبک هویتی سردرگم/اجتنابی توان پیش‌بینی احساس تنهایی دانشجویان را دارد. همچنین احساس تنهایی دانشجویان با حس مسئولیت‌پذیری و تعهدشان رابطه معکوس و منفی داشته است و توان پیش‌بینی احساس تنهایی دانشجویان بر اساس جهت‌گیری مذهبی‌شان وجود نداشته است. مهربانی کوشکی و همکاران (2016) در مطالعه "نقش سبک‌های هویتی در تبیین هویت ملی به‌عنوان جهت‌گیری ارزشی در راستای نظام در اصفهان" به نتیجه رسیدند که سبک‌های هویتی نقش مهمی در تبیین گرایش به هویت ملی دارند و در این میان سبک هنجاری بیشترین تأثیر مثبت و هم‌افزا را داشته و سبک اجتنابی در جهت کاهش هویت ملی دانشجویان عمل کرده است. این در حالی است که خودبستگی، اکتشاف و جستجوگری فعالانه یعنی سبک هویتی اطلاعاتی نتوانست نقش معناداری در جهت افزایش یا کاهش هویت ملی ایفا کند. احمدی (2014) در مطالعه‌ای به بررسی گونه‌شناسی ارزش‌های فرهنگی مبتنی بر مؤلفه‌های هویتی (جمعی) پرداخته است. نتایج تحلیلی تحقیق حاکی از ارتباط معنادار سطح هویت قومی و هویت ملی با محافظه‌کاری و ارتباط معنادار میان سطح تأکید بر هویت جهانی و سه بعد ارزش‌های فرهنگی یعنی آمادگی برای تغییر، خودافزایی و جهان‌شمولی بوده است. کاظمی و نادری (2013) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه سبک‌های هویتی‌یابی و هویت قومی در دانشجویان گروه‌های قومی ترکمن، کرد و مازنی پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد بیشتر دانشجویان

دارای سبک هویت‌یابی اطلاعاتی بوده و تفاوت معناداری در سه گروه قومی و نوع سبک هویت‌یابی آن‌ها وجود نداشته است. در عین حال میان هویت قومی و سبک هویتی اطلاعاتی رابطه مثبت و معناداری برقرار بوده است. همچنین حجازی و فارسی نژاد (2011) در پژوهشی به مقایسه سبک‌های پردازش هویت بر مبنای جنس و فرهنگ پرداخته و دو گروه دانش‌آموزان تهرانی و گُردزبان را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان از برتری سبک هویتی آشفته در پسران و برتری دختران در سبک اطلاعاتی بوده است. به علاوه دانش‌آموزان گُردزبان بیش از دانش‌آموزان تهرانی سبک هویتی آشفته دارند و دانش‌آموزان تهرانی بیش از گُردزبانان دارای سبک اطلاعاتی هستند. اسکیان و چنگیزی (2008) نیز با "بررسی رابطه بین تمایز یافتگی و سبک‌های هویتی در دانشجویان کارشناسی دانشگاه تهران" نشان دادند که تمایز یافتگی تنها با سبک هویتی آشفته و سردرگم رابطه منفی و معنادار داشته و نشان می‌دهد افرادی که معیارهای فردی و ارزش‌های شخصی تعریف‌شده‌ای دارند، کمتر در چپستی و کیستی خود دچار بحران و سردرگمی می‌شوند. غضنفری (2004) در پژوهشی در میان دانش‌آموزان دبیرستانی شهر اصفهان ضمن بررسی اعتبار و پایایی پرسشنامه سبک‌های هویت‌یابی میزان آن را نیز محاسبه کرده است. نتایج حاکی از آن بوده است که ۴۶/۳ درصد آزمودنی‌ها از سبک هویت اطلاعاتی، ۳۸/۱ درصد سبک هنجاری و ۱۵/۶ درصد از سبک هویتی آشفته برخوردارند. علاوه بر آن، آک و همکاران (2018) در مطالعه‌ای درباره تحلیل جامعه‌شناختی نظام ارزشی و ساختار طبقات جامعه کردهای مکریان (با تکیه بر ساختار طبقاتی شهر مهاباد) به این نتیجه رسیدند که تفاوت معناداری در بیشتر ابعاد مقیاس فرهنگی شوارتز (برانگیختگی، لذت‌گرایی، موفقیت، قدرت، وجهه، امنیت، همنوایی، سنت، خیرخواهی و جهان‌گرایی) بر حسب طبقه وجود داشته و در بعد استقلال در بین طبقات چهارگانه تفاوت معناداری وجود نداشته است.

مبانی نظری

ارزش‌ها از مهم‌ترین وجوه زندگی روزمره به‌شمار می‌آیند و نمایان‌گر جنبه‌های اساسی تنوع در رفتارهای انسانی هستند. تفاوت در ابعاد و حوزه‌های مختلف زندگی جمعی (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و...) در انتخاب و ترجیح گونه‌ای ارزش بر نوع دیگر ریشه دارد. در واقع، ارزش‌ها درونی‌ترین لایه‌های شخصیت انسان‌ها هستند و شناخت مطلوب واقعیت‌های درونی هرکس منوط به شناخت ارزش‌ها و گرایش‌های ارزشی اوست. اگرچه کاربست مفهوم

ارزش و قابلیت‌های آن در حوزه‌های آکادمیک پیوند نزدیکی با شکل‌گیری جامعه‌شناسی دارد و متفکران جامعه‌شناسی از همان آغاز بر اهمیت ارزش‌ها برای تحلیل و توصیف جوامع و گذار آن‌ها تأکید کرده‌اند، نخستین مطالعات خاص در حوزه ارزش به‌ویژه ارزش‌های میان‌فرهنگی مربوط به آثار متفکران معاصر است. ارزش‌های فرهنگی بر شکل‌دهی و توجیه اعمال، باورها و اهداف فردی و گروهی تأکید می‌کند. ترتیب‌های نهادی و سیاست‌ها، هنجارها و اعمال روزمره بیان اساسی تأکید بر ارزش‌های فرهنگی در جوامع است. از این منظر، رهیافت‌های نظری مختلفی مانند نظریه روکیچ (1973)، هافستد (1984)، تریاندیس (1995) و شوارتز (1994؛ 2006) درباره ساختار ارزش‌ها در سطح فرهنگی وجود دارد.

نظریه روکیچ درباره ارزش با فرضیه‌هایی درباره طبیعت انسانی بسط داده شد. او بر این باور است که هر فرد به‌طور نسبی ارزش‌هایی دارد که اهمیت خاصی برایش دارند. روکیچ معتقد است نظام باورهای کلی هر فرد به‌صورت کارکردی و سلسله‌مراتبی ساختاربندی شده است. بنابراین، اگر بخشی از یک نظام تغییر کند، بخش‌های دیگر آن نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد و تغییر می‌کند و به تبع آن رفتار فرد را نیز از این تغییر متأثر می‌شود. هراندازه بخش تغییر یافته در نظام باورهای فرد مرکزی‌تر باشد، تأثیرها شدیدتر و عمیق‌تر و گسترده‌تر خواهند بود (Rokeach, 1973: 48). هافستد (1984 و 1998) ارزش‌های موجود در جامعه را به دو دسته تقسیم می‌کند: دسته اول، ارزش‌هایی که در جامعه پسندیده تلقی می‌شوند و نشان‌دهنده واکنش جامعه به تصور مردم است و دسته دوم، ارزش‌هایی که افراد به‌صورت باطنی خواستار آن‌ها هستند که مبین آن رفتاری است که مردم خود خواهان انجام آن هستند. هافستد بر آن است که رفتارهای اجتماعی آن‌گونه که در عمل مشاهده می‌شوند عمدتاً به ارزش‌های دسته دوم نزدیک‌اند تا ارزش‌های موردپسند در جامعه. هافستد چهار معیار فرهنگ ملی برای تمایز میان فرهنگ‌ها یعنی "فاصله قدرت، اجتناب از عدم اطمینان، فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی و مردگرایی در مقابل زن‌گرایی" را شناسایی کرد. وی در سال ۲۰۰۱ وجود پنج‌مین معیار فرهنگ ملی را گزارش کرد که به‌عنوان "افق دید بلندمدت" شناسایی می‌شود.

شوارتز مطابق با نظر وبر (1958)، هافستد (1984)، اینگلههارت (1997) و ویلیامز (1958) ارزش‌های رایج در جامعه را مهم‌ترین و اصلی‌ترین ویژگی فرهنگ تلقی می‌کند. او (2006) فرهنگ را مجموعه‌ای غنی از معانی، باورها، اعمال، نمادها، هنجارها و ارزش‌های رایج در میان مردم جامعه قلمداد می‌کند. براساس نظر شوارتز (2005)، ارزش‌های انسانی

سبک‌های هویت‌یابی و جهت‌گیری‌های ارزشی ... ۱۰۷

اعتقادات ذهنی و نگرش‌هایی درباره اهدافی مطلوب هستند که زندگی مردم را هدایت می‌کنند. مفهوم مزبور بر نظریه اولیه شوارتز و بیلسکی (1987) و ارائه تعریفی از انواع نیازهای سه‌گانه بشری مبتنی است: نیازهای زیستی؛ نیازهایی برای هماهنگی تعاملات اجتماعی و معیارهای جمعی سازمانی برای بقا و حفظ گروه. شوارتز با تأکید بر کاستی‌های نظریه ارزش‌های فرهنگی هافستد، نظریه جایگزینی از ساختار ارزش‌های فرهنگی ارائه می‌دهد. نظریه شوارتز که به نظریه ارزش‌های اساسی انسانی (2006) معروف شده است بر اهمیت درجه‌بندی ارزش‌ها در سطوح فرهنگی و فردی تأکید دارد. ساختار ارزش‌ها در سطح فرهنگی و فردی مبین پویایی در تضاد و سازگاری بین ارزش‌هاست. ساختار ارزش‌های سطح فرهنگی مبین اهداف انگیزه‌ای نهادهای اجتماعی است (Schwartz, 2005). ساختار ارزش‌ها در سطح فردی نشان‌دهنده آن دسته از اهداف انگیزه‌ای است که اصول راهنمای زندگی فردی اشخاص را ارائه می‌دهند (Schwartz, 1992).

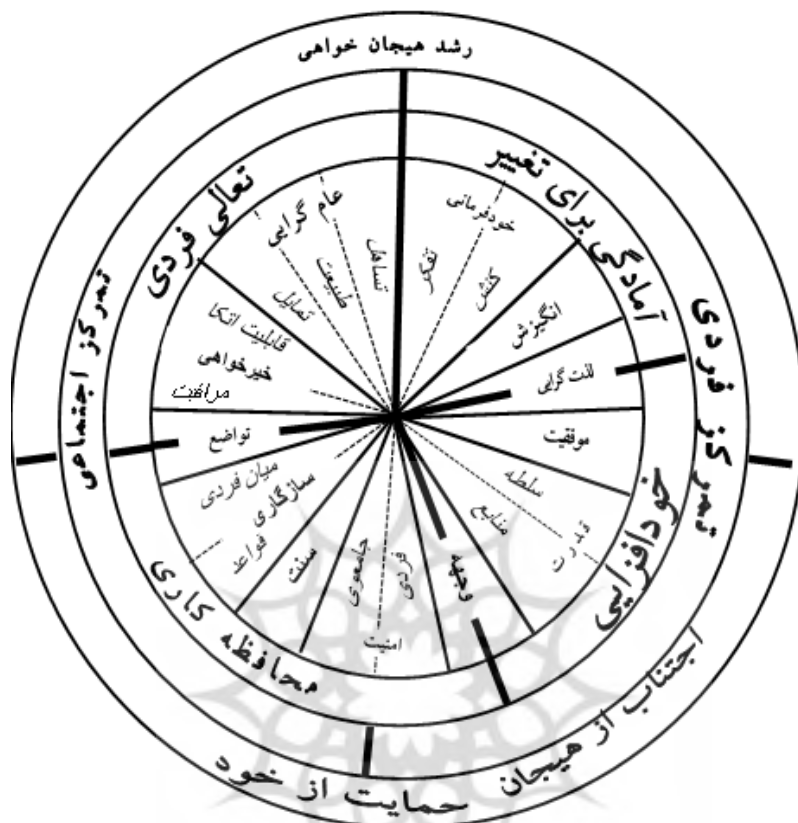
جدول (1): ارزش‌های انگیزه‌ای سطح فردی شوارتز

Table (1) : Schwartz Individual Motivational Values

شاخص	انواع ارزش‌ها (اهداف انگیزه‌ای)	زیرمجموعه‌ها
آمادگی برای تغییر	خودفرمانی (تفکر و کنش مستقل)	تفکر کنش
	انگیزش (هیجان و تازگی)	انگیزش
	لذت‌گرایی (رضایت، لذت‌های جسمانی)	لذت‌گرایی
خودافزایی	موفقیت (موفقیت شخصی مطابق هنجارهای اجتماعی)	موفقیت
	قدرت (ارتقای جایگاه اجتماعی و اعتبار، کنترل یا سلطه بر مردم یا منابع)	منابع
		سلطه
	وجهه (کسب حیثیت و احترام)	وجهه
محافظه‌کاری	امنیت	فردی
	(ایمنی، همانگی و ثبات اجتماع، روابط و اشخاص)	اجتماعی
		قواعد

میان فردی	(مهار اعمال، امیال و انگیزه‌هایی که شاید باعث آشفته‌کردن یا صدمه‌زدن به دیگران و نقض هنجارهای اجتماعی شوند)	
سنت	سنت (احترام و تعهد به آداب و رسوم و عقاید فرهنگی یا مذهبی)	
تواضع	تواضع (فروتنی و قناعت)	
قابلیت اتکا	خیرخواهی (حفظ و ارتقای رفاه مردم)	تعالی فردی (جهان‌شمولی)
مراقبت	عام‌گرایی (درک، احترام و پشتیبانی از رفاه مردم و احترام و پشتیبانی از طبیعت)	
تمایل		
طبیعت		
تساهل		

بر این اساس، به نظر شوارتز ساختار جهانی ارزش‌های افراد با توجه به نوع ارزش‌های انگیزه‌ای در سطح فردی در دوره نخست شامل ده ارزش (1992) و در سال‌های اخیر (2006) شامل نوزده ارزش می‌شود. طبق نظر شوارتز، آرایش ارزش‌ها در ساختار جهانی مبین پیوستار دایره‌ای انگیزه‌هاست (Schwartz, 1992: 45). بنابراین، تفاوت‌های انگیزه‌ای بین انواع ارزش‌ها بیشتر پیوسته‌اند تا گسسته. درحالی‌که آن دسته از ارزش‌های انگیزه‌ای که در ساختار دایره‌ای شکل ارزش‌ها مجاور یکدیگر هستند قابل‌مقایسه فرض شده‌اند، بین ارزش‌هایی که در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند تضادهای روان‌شناختی و اجتماعی وجود دارد. علاوه بر شناسایی ارزش‌های اساسی به‌لحاظ انگیزشی متمایز، نظریه ارزش‌ها جنبه ساختاری ارزش‌ها به‌ویژه روابط پویای میان آن‌ها را تبیین می‌کند. اعمالی که در پی ارزش‌ها می‌آیند، دارای پیامدهای روان‌شناختی، عملی و اجتماعی است که ممکن است با کنش‌های متأثر از سایر ارزش‌ها متضاد یا شاید منطبق باشند. علاوه بر آن، شوارتز اهداف انگیزه‌ای مختلف را در چهار حوزه کلی‌تر دسته‌بندی می‌کند: ارزش خودافزایی؛ آمادگی برای تغییر؛ تعالی فردی (جهان‌شمولی) و محافظه‌کاری.



شکل (۱): مدل نظری روابط میان انواع انگیزشی از ارزش‌ها
(Schwartz et al, 2006)

Figure (1) : Theoretical Model of Relationships between Motivational Types of Values

نظریه شوارتز (1992) درباره ارزش‌های اساسی انسانی مطالعات بسیاری را در خلال دو دهه گذشته شکل داده است. اکثر این مطالعات نحوه ارتباط ارزش‌های اساسی ده‌گانه یا ارزش چهاروجهی با نگرش‌های مختلف، عقاید، رفتارها، شخصیت و ویژگی‌های زمینه‌ای را بررسی می‌کنند. این مطالعات انتقال و توسعه ارزش در بچه‌ها و بزرگسالان و تغییر ارزش در طول زمان را نیز ارزیابی کرده‌اند (e.g; Bardi et al, 2009). اخیراً، مطالعات درباره قابلیت تمییز ارزش‌های ده‌گانه و نظم آن‌ها پیرامون چرخه انگیزشی که نظریه مطرح می‌کند افزایش یافته‌اند (Bilsky, Janik, Schwartz, 2011).

علاوه بر آن، گروه‌های مختلف در پاسخ به تجربه‌های تاریخی منحصربه‌فرد، میراث فرهنگی خاص خود را بسط می‌دهند، این میراث به آرامی تغییر می‌کند و از این‌رو عناصر فرهنگی می‌توانند در طول سالیان متمادی تداوم داشته باشند. بنابراین، تبیین تفاوت‌های فرهنگی نیازمند بررسی متغیرهای تبیینی است که تجربه بلندمدت تاریخی را منعکس می‌کنند. بسیاری از تلاش‌ها برای تبیین تفاوت فرهنگی تا به امروز بر تجربه‌های اجتماعی معاصر متمرکز بوده‌اند و اهمیت بیشتری برای ویژگی‌های اجتماعی مانند پایگاه اجتماعی-اقتصادی، نظام‌های سیاسی و میزان مولید قائل شده‌اند. در این زمینه مشخص است که وضعیت زندگی افراد فرصت‌هایی برای پیگیری یا تأکید بر بعضی ارزش‌ها را ساده‌تر از دیگر ارزش‌ها فراهم می‌آورد. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که اثر زیادی بر تمایل یا عدم تمایل به ارزش‌هایی خاص برجای می‌گذارد، وضعیت هویت و برساخت و فرایند شکل‌گیری هویت است. اریک اریکسون (1968) از پیشگامان بحث هویت‌یابی، هویت را چارچوبی می‌داند که افراد با بهره‌گیری از آن، تجارب زندگی خود را معنا و تفسیر کرده و اهداف زندگی خود را تعیین می‌نمایند. به‌زعم او، دوران نوجوانی زمان ایجاد همین چارچوب است (Shahi, Ojinezhad, 2014) و رشد مفاهیم عاطفی، اجتماعی، ذهنی و اخلاقی از این دوره شدت می‌گیرد و انتظار می‌رود فرد تا دوره جوانی به بلوغ لازم برسد و مفهوم "خود" و "دیگری" در سطوح مختلف فردی و اجتماعی شکل گرفته شود. اریکسون معتقد است مراحل رشد انسان از هشت مرحله با خصایص و بحران‌های خاص تشکیل شده است. موفقیت در هر مرحله، یعنی غلبه بر بحران‌های آن مرحله، لیکن نوجوانی دورانی است که در صورت موفق نشدن در آن، بحران به دوره‌های دیگر حیات انسانی تسری می‌یابد و چنانچه این بحران در زمان خود حل شود، فرد به هویت متشکل و منسجم که عبارت است از وحدت درونی، خودپذیرشی و ثبات نسبی می‌رسد (Hosseinisab, Poursarifi, Mohammadi, 2009).

اریکسون بر مبنای دو مقوله "تعهد" و "جستجوگری" چهار پایگاه هویتی را از یکدیگر بازناسایی کرده است: هویت موفق (وجود تعهد و جستجوگری)؛ هویت دیررس (نبود تعهد و وجود جستجوگری)؛ هویت زودرس (وجود تعهد و نبود جستجوگری) و هویت سردرگم (نبود تعهد و جستجوگری) (Nawabinejad, 2007). در این حصر منطقی، کاوشگری به پرس و جوی فعال فرد و بررسی گزینه‌های هویتی گوناگون قبل از تصمیم‌گیری درباره آنچه باید ارزش‌ها، باورها و اهداف او را تشکیل دهد، مرتبط است و تعهد، به انتخاب نسبتاً محکم و پایدار یک حوزه هویتی و درگیر شدن فرد در تکالیف و

کنش‌های منتسب به آن گفته می‌شود (Crocetti, et al, 2009). به این ترتیب، ایده اریکسون در باب سبک‌ها یا پایگاه‌های هویتی منشأ نظریه‌پردازی درباره فهم هویت‌یابی و مراحل تکوین آن گردید و توسط مارسیا (1966؛ 1979) و برزونسکی (1990؛ 2003؛ 2011؛ 2014) با جهت‌گیری شناختی و اجتماعی بسط یافت. مارسیا (1966) به‌مانند اریکسون معتقد است هویت در مراحل مختلف تکامل می‌یابد و مهم‌ترین دوره تکامل و شکل‌گیری آن، دوره نوجوانی و جوانی است. از منظر او، فرد ممکن است چهار گونه هویت را بر مبنای کاوش و تعهد تجربه کند: هویت آشفته؛ هویت زودرس؛ هویت دیررس و هویت موفق (تحقق‌یافته). تحقیقات اخیر او و همکارانش (2010) نشان می‌دهد درصد زیادی از افراد تا سنین بزرگسالی به پایگاه هویت موفق نمی‌رسند و به درجات مختلف بحران و آشفتگی هویتی دوران نوجوانی را به همراه دارند.

برزونسکی (1990) دیگر صاحب‌نظر مطرح در این حوزه، تحقیقات خود را بر مبنای رویکردی شناختی، دنبال نموده است. به‌زعم وی، هویت افراد متأثر از جهان اجتماعی تداوم‌یافته و رشد می‌کند و سبک هویت عبارت است از اینکه چگونه افراد به جستجو، پردازش و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود می‌پردازند و از آن استفاده می‌کنند (Tabatabaei, Tabatabai, Mohammadi, 2011). به‌عبارت‌دیگر، هویت نحوه تلقی افراد از خود و نیز چگونگی تفسیر افراد از جهان اطرافشان است (Berzonsky, 2014). سبک‌های برزونسکی فرایندهایی را شامل می‌شود که تجربیات و اطلاعات مربوط به خود را کدگذاری، پردازش و سازمان‌دهی می‌کند. مدل برزونسکی شکل بسط‌یافته نظریه مارسیا در زمینه وضعیت‌های هویت است. این الگو به تفاوت در فرایندهای شناختی-اجتماعی و انطباق هویت تأکید دارد. این الگوی شناختی-اجتماعی به تفاوت برجسته در درگیری و اجتناب افراد از تکالیف مختلفی همچون تصمیم‌گیری، حل مسائل شخصی و موضوعات هویت اشاره دارد. بر اساس مدل برزونسکی، احساس هویت از طریق ساخت‌های شناختی خود به وجود می‌آید که از تعامل متقابل با محیط اجتماعی و فیزیکی تجربه می‌شود. این تشریح فرایند بر دو جنبه مهم این الگو تأکید دارد: یکی فرد به‌عنوان موجودی فعال است و دیگری تأثیری که محیط بر فرد می‌گذارد. افراد به‌طور فعال درباره انتخاب‌هایشان تصمیم‌گیری می‌کنند و این انتخاب‌ها تحت تأثیر محیط قرار دارد؛ به‌عبارت‌دیگر افراد در فرایندهای اکتشاف هویت بر اساس استراتژی‌هایی که بیشتر استفاده می‌کنند، تفاوت دارند. او با تجدیدنظر در مدل اریکسون و مارسیا، به دلیل توازن بسیار بالای میان وضعیت هویت

موفق و دیررس، این دو سبک را در درون سبک هویت اطلاع‌مدارانه و یا اطلاعاتی ادغام می‌نماید. نهایتاً مدل برزونسکی (1990) به سه فرایند و سبک‌شناختی در جهت‌گیری‌های هویتی نظم می‌بخشد:

سبک اطلاعاتی: یا به بیان اریکسون و مارسیا پایگاه هویت دیررس و به تعویق افتاده. افراد دارای سبک اطلاعات‌مدار درگیر فرآیند خودکاو‌نگری فعال هستند و به جست‌وجو، پردازش و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود می‌پردازند (Adams & Berzonsky, 2003). این افراد نیاز بالایی به شناخت و پیچیدگی شناختی احساس می‌کنند، کم‌تر در جستجوی تأیید و تصدیق دیگران هستند، به قضاوت‌های خود اعتماد دارند و در برخورد با موقیت‌های مبهم و افراد جدید پذیرش بالایی دارند (Moghanloo et al, 2009). این افراد به‌طور فعال اطلاعات مربوط به خویش را جستجو می‌کنند، ارزیابی می‌نمایند و مورد استفاده قرار می‌دهند. نسبت به آینده امیدوار و کمتر تحت تأثیر دیگران بوده و متناسب با باورهای خود عمل می‌کنند. آنان در مورد مشاهدات خود با تردید برخورد کرده، تمایل دارند قضاوت در مورد رخدادهای اطرافشان را به تعویق بیندازند تا در زمانی مناسب اطلاعات خود را ارزیابی و تحلیل نمایند. افراد واقع در سبک مذکور، اغلب به دنبال پاسخ به پرسش‌هایی درباره خود هستند. آنان ممکن است باورهای سیاسی و غیرمذهبی را با شور و علاقه دنبال کنند، اما پس از مدتی آن‌ها را کنار بگذارند. به‌طور کلی افراد حاضر در این پایگاه "خود" نیرومندی در خود پرورش داده‌اند و هرچند ممکن است به لحاظ سیاسی لیبرال یا محافظه‌کار باشند، اما خودآگاهانه این مسیر را انتخاب کرده‌اند (Cramer, 2004).

سبک هنجاری: در سبک هنجاری، فرد در مواجهه با مسائل به شیوه‌ای واکنشی و هماهنگ با انتظارات گروه‌های مرجع و دیگران عمل می‌کند و به‌صورت خودکار و بدون خودارزیابی، ارزش‌ها و باورها را درونی می‌کند. این سبک با ویژگی‌هایی مانند وظیفه‌شناسی مفرط، کمک‌خواهی، ناشکیبایی و میل شدید به ساختارمندی قضایا، خودپنداره پایدار و عدم تمایل به بررسی اطلاعات ناهمگام با ارزش‌ها و باورها رابطه دارد. افراد دارای سبک هنجاری به سؤالات هویت و موقعیت‌های تصمیم‌گیری با پیروی از تجویزها و انتظارات افراد مهم پاسخ می‌دهند.

سبک سردرگم یا اجتنابی: افراد دارای سبک سردرگم یا اجتنابی از رویارویی با مسائل مربوط به هویت دوری می‌کنند، رفتارشان بر پایه عوامل موقعیتی و لحظه‌ای تنظیم می‌شود و از راهبردهای ضعیف اسنادی و شناختی استفاده می‌کنند. این افراد از رویارویی

با مسائل و تصمیم‌های شخصی بیزارند. افراد دارای سبک سردرگم/ اجتنابی تا حد ممکن سعی دارند موقعیت‌های تعارض برانگیز و مستلزم تصمیم‌گیری را به تأخیر بیندازند؛ در مواقعی که امکان چنین تأخیر وجود نداشته باشد، در تصمیم‌گیری بیشتر به مقتضیات و پیامدهای محیطی تکیه می‌کنند. این سبک هویت با هیجان‌مداری، راهبردهای نامطلوب تصمیم‌گیری، خودآگاهی محدود، دیگر پیروی و به‌کارگیری راهبردهای اسنادی و شناختی ناکارآمد رابطه دارد (Jokar & Latifian, 2006).

سبک‌های هویت‌یابی و جهت‌گیری‌های ارزشی

هرچند هر دو مؤلفه سبک‌های هویتی و جهت‌گیری ارزش شامل فرآیندهای شناختی هستند و منعکس‌کننده راه‌های مشخصی کنش، اما جهت‌گیری‌های ارزشی، باورهایی درباره نحوه رفتار افراد است، درحالی‌که سبک‌های هویتی، رویکردهای استراتژیک در مورد نحوه حل مشکلات، تناقضات و فرایند و ارزیابی شکل‌گیری خوداتکایی است؛ به‌عبارت‌دیگر، جهت‌گیری‌های ارزشی، اصول راهنما درباره آن چیزی است که افراد برای نیل به آن باید تلاش کنند، درحالی‌که سبک‌های هویت منعکس‌کننده نحوه و فرایند انجام تلاش برای نیل به آن اهداف و حالت‌های مطلوب موردنظر است. در همین راستا، سه گونه تفسیر قابل‌ملاحظه است: تفسیر نخست در راستای اهمیت تعیین‌کنندگی و علیت هویت و سبک‌های هویتی برای جهت‌گیری‌های ارزش است (Erikson, 1968; Berzonsky, 2011). تفسیر دوم در جهت معکوس و در زمینه اهمیت جهت‌گیری‌های ارزشی در برساخت هویت اشاره دارد (Schwartz, 1994; 2007) و نهایتاً راه سوم که در این مطالعه بر اهمیت آن تأکید می‌شود و آن هم‌آوایی و سازگاری میان دو مؤلفه ارزش‌ها و سبک‌های هویتی است. از این منظر فرضیات زیر برای مطالعه حاضر مدون شدند:

- بین سبک هویت‌یابی اطلاعاتی و ارزش‌های فرهنگی (آمدگی برای تغییر، خودافزایی، محافظه‌کاری و جهان‌شمولی) رابطه وجود دارد.
- بین سبک هویت‌یابی هنجاری و ارزش‌های فرهنگی (آمدگی برای تغییر، خودافزایی، محافظه‌کاری و جهان‌شمولی) رابطه وجود دارد.
- بین سبک هویت‌یابی آشفته و ارزش‌های فرهنگی (آمدگی برای تغییر، خودافزایی، محافظه‌کاری و جهان‌شمولی) رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی (غیرآزمایشی) از نوع همبستگی بوده است. از نظر کنترل وضعیت پژوهش، بررسی پیمایشی از نظر هدف، بررسی کاربردی است و به لحاظ معیار زمان این تحقیق از نوع مقطعی است. جامعه آماری پژوهش را کلیه جوانان ۱۸-۲۹ سال شهر سنندج با جمعیتی بالغ بر ۱۸۷۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۵ تشکیل داده‌اند. حجم نمونه بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران با دقت برآورد $d = 0.05$ و حداکثر واریانس $pq = 0.25$ و سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۳۴۵ نفر تعیین شدند و شیوه نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام گرفته است. واحد تحلیل پژوهش حاضر نیز شهروندان و قلمرو زمانی تحقیق شش‌ماهه دوم سال ۲۰۱۷ است. همچنین، پرسشنامه مطالعه از دو زیرمجموعه یا دو پرسشنامه متفاوت و البته استاندارد یکی پرسشنامه ارزش‌های فرهنگی شوارتز (1992؛ 2007) و پرسشنامه سبک‌های هویت‌یابی برزونسکی (1997؛ 2014) ساخته شده است که در ادامه به نحوه عملیاتی شدن متغیرها اشاره خواهد شد.

ارزش: به نظر روکیچ، ارزش عقیده یا باور نسبتاً پایداری است که فرد با تکیه بر آن، شیوه‌ای رفتار خاص را با یک حالت غایی که شخصی یا اجتماعی است، به شیوه رفتاری خاصی یا یک حالت غایی که نقطه مقابل حالت برگزیده قرار دارد، ترجیح می‌دهد. شوارتز و بلیسکی (1987: 115) «ارزش‌ها را معادل مفاهیم یا باورهایی می‌دانند که مرتبط با رفتار یا حالت مطلوب بوده، فراتر از موقعیت‌های خاص قرار می‌گیرند و راهنمای انتخاب و ارزیابی رفتار و حوادث به شمار می‌روند و بر اساس اهمیت نسبی‌شان رتبه‌بندی می‌شوند». ادوارد شیلز ارزش‌ها را سازه‌های کنش‌ها و اظهارات می‌دانند؛ اما سازه‌هایی که از قلمرو عینی غالب نمادین برمی‌خیزد و بر این اساس او ارزش‌ها را به ارزش‌های بنیادی^۱ و ارزش‌های اشتقاقی^۲ تقسیم می‌کند. از آن‌رو که نخستین ابزار توسعه‌یافته برای سنجش ارزش‌ها پیمایش ارزش شوارتز شناخته می‌شود (Schwartz, 1992; 2005a). در این مطالعه ارزش‌های فرهنگی مبتنی بر گونه‌شناسی چهاربعدی (آمدگی برای تغییر؛ جهان‌شمولی؛ خودافزایی و محافظه‌کاری) و ده‌گانه شوارتز و همکاران (2006؛ 2007) سنجش شده است (جدول ۱).

1. Fundamental Values
2. Derivative Values

سبک‌های هویت‌یابی: برای حدود ۴۰ سال، مطالعات مرتبط با شکل‌گیری و ساخت هویت بر پارادایم پایگاه هویتی مارسیا (1966) مبتنی بود که چهار گونه یا برون‌داد متفاوت هویت‌یابی را معرفی می‌کرد: موفق یا کامیاب، زودرس، دیررس و آشفته یا سردرگم. اخیراً، محققان تمرکز بیشتری بر فرایند یا روند ساخت هویت بیش از توجه به تفاوت‌های فردی در برون‌دادهای هویتی داشته‌اند (Berzonsky, 2011; 2014). به‌طور خاص، برزونسکی (۱۹۹۰) مدل فرایندی از ساخت و شکل‌گیری هویت را مطرح می‌کند که بر تفاوت‌ها در فرایندهای و استراتژی‌های اجتماعی-شناختی افراد برای مواجهه یا اجتناب از وظایف ساخت، حفظ یا بازسازی حس هویت متمرکز است (Ebid, 2014). به بیانی دیگر، نظریه برزونسکی بر آن دسته از فرایندهای اجتماعی-شناختی مبتنی است که طی آن افراد بر اساس شیوه ترجیحی پردازش اطلاعات مربوط به خود، گفتگو درباره موضوعات مربوط به هویت و تصمیمات فردی، در وضعیت‌های متفاوت قرار می‌گیرند؛ و لذا، فرایندهای متفاوت فرض شده، حداقل در سه سطح اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم-اجتنابی به کار می‌رود. در این راستا و در حوزه عملیاتی، سبک اطلاعاتی با ۱۱ آیتم یا گویه، سبک هنجاری ۹ گویه و نهایتاً سبک آشفته اجتنابی با ۱۰ گویه در طیف لیکرت (۵ گزینه‌ای) سنجش می‌شوند.

جدول (۲): سطوح، شاخص‌ها و گویه‌های سبک‌های هویت‌یابی

Table 2: Levels, Indicators and Items of Identity Styles

سبک‌های هویت‌یابی	گویه‌ها یا آیت‌ها
سبک اطلاعاتی	درباره آنچه باید در زندگی انجام دهم ساعت‌ها فکر کرده‌ام
	ساعات زیادی را به خواندن و بحث با افراد درباره اعتقادات دینی‌ام می‌گذرانم
	وقتی با شخصی مسئله‌ای را مطرح می‌کنم سعی می‌کنم نقطه نظرات او را درک کنم
	زمان زیادی را صرف خواندن و یا سعی در فهم مسائل سیاسی کرده‌ام
	زمان زیادی را صرف صحبت با مردم کرده‌ام تا اعتقاداتی پیدا کنم که بکارم آید
	وقتی مسئله‌ای دارم برای فهم آن بسیار فکر می‌کنم
	بهتر است در مواقع مشکل از متخصصین (پزشک، وکیل، معلم و ...) نظرخواهی کنیم
	مشکلاتم می‌تواند یک مبارزه جالبی باشند
	وقتی تصمیم می‌گیرم زمان زیادی را صرف تا درباره انتخاب خود فکر کنم
	دوست دارم به مشکلات خود فکر کنم و به روش خود آن‌ها را حل نمایم
	وقتی مجبور شوم تصمیم بزرگی بگیرم، دوست دارم تا آنجا که ممکن است درباره آن اطلاعات کسب کنم

بر اساس ارزش‌هایی که با آن‌ها تربیت‌شده‌ام عمل می‌کنم	سبک هنجاری
طوری بزرگ‌شده‌ام که می‌دانم چه کار کنم	
هرگز شک جدی درباره اعتقادات دینی خود نداشته‌ام	
از زمان جوانی می‌دانستم می‌خواهم چه کاره شوم	
بهتر است یک سری اعتقادات محکمی داشته باشیم تا اینکه به اعتقادات مختلفی رو آوریم	
بهتر است مجموعه‌ای از ارزش‌ها را در اختیار داشته باشیم تا اینکه بخواهیم گزینه‌های ارزشی دیگر را ملاحظه قرار دهیم	
وقتی راه‌حل مشکل را می‌یابم دوست دارم همان را دنبال کنم	
دوست دارم کارها را همان‌طور که والدین اصرار به انجام آن دارند انجام دهم	
بهتر است هنگام مشکل با دوستان و آشنایان مشورت کنیم	سبک آشفته-اجتنابی
به آنچه در زندگی انجام می‌دهم مطمئن نیستم	
درباره ارزش‌هایی که در پیش دارم نگران نیستم، هر چه پیش آید خوش آید	
اگر نسبت به مشکلات خود نگران نباشم، معمولاً خودبه‌خود حل می‌شوند	
هم‌اکنون درباره آینده فکر نمی‌کنم تا آن موقع هنوز وقت بسیار است	
وقتی مجبور شوم تصمیم بگیرم تا آنجا که امکان دارد منتظر می‌شوم ببینم چه رخ می‌دهد	
زندگی را جدی نمی‌گیرم فقط سعی دارم از آن لذت ببرم	
تا آنجا که ممکن است به مشکلات فکر نمی‌کنم	
از مشکلاتی که مرا به فکر فرومی‌برند دوری می‌کنم	
اگر از مشکل بالقوه چشم‌پوشی کنم، کارها معمولاً حل می‌شوند	
وقتی متوجه شوم مشکلی باعث نگرانی من می‌شود از آن دوری می‌کنم	

علاوه‌برآن، اگرچه روایی و پایایی هر دو پرسشنامه (سبک‌ها هویتی و ارزش‌های فرهنگی) در مطالعات تجربی بسیار سنجش شده و مطلوب بوده‌اند، اما در ذیل برای اطمینان، میزان روایی سازه‌های متعدد پژوهش بر اساس آلفای کرونباخ در جدول (۳) آمده است که به نظر می‌رسد همه سازه‌های تحت مطالعه در حد مطلوبی دارای روایی‌اند.

جدول (۳): ضریب آلفای کرونباخ

Table 3: Cronbach's alpha coefficient

میزان آلفا	تعداد گویه	سازه‌ها
0/852	9	آمدگی برای تغییر
0/879	9	خودافزایی
0/903	15	محافظه‌کاری
0/954	15	جهان‌شمولی
0/873	10	سبک اطلاعاتی
0/792	9	هنجاری
0/903	11	آشفته

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

یافته‌های حاصل از پژوهش در زمینه توزیع فراوانی جنسیت نشان می‌دهد که ۳۴۵ از افراد مورد مطالعه، ۱۸۰ نفر (۵۱/۹٪) پسر و ۱۶۵ نفر (۴۸/۱٪) دختر می‌باشند. به لحاظ تعلق مذهبی ۳۰۰ نفر (۸۷) از پاسخگویان تسنن و ۴۵ نفر (۱۳) تشیع می‌باشند. از نظر مقطع تحصیلی، ۱۷۴ نفر (۴۴/۶) تا دیپلم، ۳۹ نفر (۱۱/۳) کاردانی، ۱۰۰ نفر (۲۹ درصد) کارشناسی، ۲۵ نفر (۷/۲) کارشناسی ارشد و ۷ نفر (۲/۰۲) دانشجوی دکتری می‌باشند. یافته‌های حاصل از پژوهش در زمینه توزیع فراوانی وضع ازدواج نشان می‌دهد که از افراد مورد مطالعه، ۳۱۵ نفر (۹۱/۰۳) مجرد و ۳ نفر (۹/۹) متأهل می‌باشند.

توزیع جامعه آماری برحسب ابعاد ارزش‌های فرهنگی و سبک‌های هویت

مقیاس‌های تعریف‌شده برای سه سبک هویت در دامنه ۱ (ضعیف‌ترین وضعیت) تا ۵ (قوی‌ترین وضعیت) با میانگین ۳ بوده است. اولین و مهم‌ترین نتیجه‌ای که از محاسبات حاصل می‌شود این است که هر سه سطح هویت، شامل اطلاعاتی، هنجاری و آشفته، دارای میانگین‌های بالاتر از مقدار ۳ بوده‌اند و همگی دارای تفاوت معنادار با سطح متوسط مقیاس اندازه‌گیری هستند. به بیان دیگر، کران پایین هیچ‌یک از سطوح هویت از مقدار ۳ پایین‌تر نیست. چنین نتیجه‌ای به معنای آن است که هیچ‌یک از انواع هویت را نمی‌توان برای جامعه آماری نادیده گرفت و همگی برای شهروندان حائز اهمیت تلقی می‌شوند.

برآورد فواصل اطمینان ۹۵ درصد برای سه متغیر سبک هویت اطلاعاتی، هویت هنجاری و هویت آشفته نشان می‌دهد که چگونه سبک هویت اطلاعاتی به‌طور معناداری بیشتر از دو سطح دیگر از هویت است. همین نتایج حاکی از بالاتر بودن سبک هویت آشفته در مقایسه با سبک هویت هنجاری است. فواصل اطمینان به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که تفاوت‌های مشاهده‌شده میان سطوح مختلف سبک‌های هویت‌یابی در نمونه تحت مطالعه به لحاظ آماری معنادار و نتایج با حداکثر خطای ۵ درصد قابل‌تعمیم به جامعه آماری است.

جدول (۴): آماره‌های نمونه‌ای و فواصل اطمینان ۹۵ درصد برای میانگین به تفکیک سبک‌های مختلف هویت‌یابی

Table 4: Sample statistic and 95% confidence intervals for the mean by different identification styles

برآورد فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای پارامتر میانگین		آماره‌های نمونه‌ای		سبک‌های هویت‌یابی
کران بالا	کران پایین	انحراف معیار	میانگین	
4/45	4/22	0/87	4/35	هویت اطلاعاتی
4/03	3/50	0/63	3/92	هویت آشفته
3/45	3/03	0/52	3/23	هویت هنجاری

به لحاظ پراکندگی سبک‌های هویت در نمونه آماری تحت مطالعه، نتایج نشان می‌دهد سبک هویت‌یابی اطلاعاتی در مقایسه با هویت آشفته از انحراف معیار بالاتری برخوردار است. مقایسه مقادیر $0/۷۸$ و $۰/۶۳$ و $۰/۵۲$ نشان می‌دهد که در جامعه آماری تحت مطالعه، شهروندان دیدگاه‌های یکسان‌تری در باب سبک هویت‌یابی هنجاری دارند و تفاوت در نوع پاسخ‌ها برای گویه‌های مربوط به سبک هویتی اطلاعاتی و هنجاری بیشتر است. از طرف دیگر، مقایسه فواصل اطمینان برای هویت‌های اطلاعاتی و آشفته نیز نشان می‌دهد که هرچند میانگین‌های به‌دست‌آمده برای هویت‌های اطلاعاتی و آشفته با یکدیگر تفاوت معنادار دارند، این تفاوت شدید و عمیق تفسیر نمی‌شود. مقایسه کران‌های پایین و بالا (جدول ۴) برای سطوح مختلف هویت این نتیجه را منعکس می‌کند که هویت اطلاعاتی نه‌تنها دارای تفاوت معنادار با دو سطح دیگر از هویت است، بلکه این تفاوت به‌طور درخور ملاحظه‌ای از شدت بالایی برخوردار است.

سبک‌های هویت‌یابی و جهت‌گیری‌های ارزشی ... ۱۱۹

همچنین، وضعیت ارزش‌های فرهنگی در ابعاد چهارگانه نیز حاکی از آن است که متوسط ارزش فرهنگی آمادگی برای تغییر جوانان ۳۸/۶۵ درصد با انحراف معیار ۷/۱۳ بر پیوستار حداقل ۹ و حداکثر ۴۵؛ متوسط نمرات خودافزایی جوانان شهر سنندج ۳۷/۴۵ با انحراف استاندارد ۶/۲۸ بر پیوستار حداقل ۹ و حداکثر ۴۵؛ محافظه‌کاری جوانان ۴۳/۷۸ با انحراف استاندارد ۹/۳۲ بر پیوستار حداقل ۱۵ و حداکثر ۷۵ و نهایتاً متوسط نمره جهان‌شمولی جوانان شهر سنندج ۶۱/۹۲ با انحراف استاندارد ۸/۵۲ بر پیوستار حداقل ۱۵ و حداکثر ۷۵ بوده است.

جدول (۵): توزیع پراکندگی جامعه برحسب ابعاد ارزش‌های فرهنگی

Table 5: Distribution of the dispersion of society in terms of the dimensions of cultural values

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	حداقل	حداکثر	چارک اول	چارک دوم	چارک سوم
آمادگی برای تغییر	38/65	7/13	2/028	9	45	18	22	26
خودافزایی	37/45	6/28	0/401	9	45	19	24	28
محافظه‌کاری	43/78	9/32	0/425	15	75	28	35/5	43
تعالی فردی (جهان‌شمولی)	61/92	8/52	1/25	15	75	34	38	44

بر اساس اطلاعات جدول می‌توان عنوان کرد که سطح دو بعد جهان‌شمولی و آمادگی برای تغییر بالاتر از متوسط و وضعیت ابعاد خودافزایی و به‌ویژه محافظه‌کاری تقریباً در حد متوسط و پایین‌تر از آن است. هماهنگی و نزدیکی میانگین دو سطح جهان‌شمولی و آمادگی برای تغییر کاملاً با بحث شوارتز و همکاران (2015) سازگار است.

سطوح هویت و ابعاد ارزش‌های فرهنگی

همان‌گونه که در چارچوب نظری اشاره شد، سبک‌های متفاوت هویت‌یابی در ابعاد سه‌گانه احتمالاً با ارزش‌های فرهنگی خاصی متناظرند. از این منظر در ادامه گونه‌شناسی ارزش‌های فرهنگی مبتنی بر نوع سبک هویت برجسته در پاسخگویان بررسی خواهد شد. جدول شماره ۶ به‌خوبی ارتباط این دو مقوله را به نمایش گذاشته است.

جدول (۶): شدت و معناداری رابطه میان ابعاد اصلی، فرعی و شاخص‌های ارزش‌ها با سطوح هویت
 Table 6: The severity and significance of the relationship between main dimensions, sub-elements and value indices with identity levels

شدت رابطه با سبک‌های هویت			شاخص‌ها	ابعاد اصلی
هویت آشفته	هویت هنجاری	هویت اطلاعاتی		
0/123 0/025	-0/52 0/343	**0/198 0/000	تفکر	آمادگی برای تغییر
-0/54 0/329	-0/44 0/417	*0/126 0/020	کنش	
0/004 0/964	-0/081 0/134	**0/1730 0/001	انگیزش	
**0/1440 0/000	0/092 0/088	*0/131 0/000	لذت‌گرایی	
**0/1980 0/000	0/114 0/036	**0/1240 0/000	موفقیت	خودافزایی
0/089 0/08	-0/046 0/401	*0/0100 0/066	منابع	
*0/118 0/032	0/049 0/368	0/088 0/106	سلطه	
*0/121 0/027	0/146 0/07	0/129 0/081	وجهه	
**0/113 0/003	**0/346 0/000	0/004 0/941	فردی	محافظه‌کاری
0/098 0/062	**0/125 0/000	*-0/101 0/062	اجتماعی	
*0/107 0/005	**0/422 0/000	0/05 0/933	قواعد	
0/079 0/082	*0/121 0/028	-0/10 0/859	میان‌فردی	
0/054 0/112	**0/382 0/000	0/006 0/912	سنت	
**0/194 0/003	**0/287 0/000	**0/412 0/000	تواضع	
0/043 0/385	-0/043 0/433	0/079 0/178	قابلیت اتکا	تعالی فردی
**0/178 0/001	**0/178 0/001	**0/298 0/000	مراقبت	
0/102 0/065	-0/097 0/075	**0/168 0/003	تمایل	
0/160 0/003	-0/56 0/299	0/096 0/078	طبیعت	
0/135 0/014	0/024 0/663	**0/263 0/000	تساهل	

(عدد بالا: ضریب پیرسون؛ عدد پایین: سطح معناداری)

نتایج جدول حاکی از ارتباط معنادار هویت هنجاری با ابعاد شاخص محافظه‌کاری یعنی امنیت و سازگاری و مؤلفه‌های آن‌ها مانند امنیت فردی، محافظه‌کاری میان فردی و... هستند و البته ارتباط معنادار میان هویت هنجاری با مؤلفه مراقبت از زیرمجموعه‌های جهان‌شمولی. در موارد نخست، نتایج مطابق انتظار نظری بوده‌اند، اما در مورد ارتباط با مراقبت نیز اگرچه نتیجه کاملاً با انتظارات نظری هم‌خوانی ندارد، پس از واکاوی مشخص شد که نخست، گویه‌هایی که برای سنجش مراقبت به‌کاررفته است (پرسشنامه استاندارد ارزش‌های فرهنگی شوارتز، ۱۹۹۸) مانند "برای او نگره‌داری و مواظبت از افرادی که به آن‌ها نزدیک‌اند، مهم است" یا "برای او دل‌مشغول کردن خودش با همه احتیاجات عزیزانش مهم است"، به‌دلیل محتوای خاص، می‌توانند با هویت هنجاری هماهنگی و تناظر بسیاری داشته باشند. دوم، اینکه در پیوستار دایره‌ای مدنظر شوارتز (شکل ۱) همان‌گونه که مشخص است، ابعاد و مؤلفه‌های خیرخواهی و تواضع در کنار هم قرار گرفته‌اند و این موضوع، همان‌گونه که شوارتز در ساختار نظری ارزش‌ها توضیح می‌دهد، نشان از قرابت محتوایی دو بعد دارد؛ بنابراین عجیب نیست که میان این دو مقوله ارتباط معناداری وجود داشته است. نتایج نشان می‌دهند که بیشترین ارتباط معنادار هویت آشفته نیز با ابعاد و مؤلفه‌های محافظه‌کاری و مانند مورد پیشین با بعد مراقبت شاخص جهان‌شمولی بوده است. نهایتاً اینکه هویت اطلاعاتی مطابق انتظار با گویه‌های آمادگی برای تغییر و جهان‌شمولی بیشترین ارتباط را داشته است.

جدول (۷): شدت و معناداری رابطه میان شاخص‌های ارزش‌های فرهنگی با سبک‌های هویتی
Table 7: The Severity and Significance of the Relationship between Cultural Values and Identity Styles

شدت رابطه با سبک‌های هویت			ابعاد اصلی
هویت آشفته	هویت هنجاری	هویت اطلاعاتی	
0/031 0/572	-0/069 0/204	**0/235 0/000	آمادگی برای تغییر
0/060 0/279	0/039 0/477	**0/145 0/007	خودافزایی
**0/125 0/000	**0/39 0/000	*-0/125 0/045	محافظه‌کاری
*0/089 0/059	-0/016 0/767	**0/212 0/000	جهان‌شمولی

(عدد بالا: ضریب پیرسون؛ عدد پایین: سطح معناداری)

همان‌گونه که از نتایج جدول مشهود است، ارتباط مثبت و کاملاً معناداری میان سبک هویت هنجاری و هویت آشفته و محافظه‌کاری وجود دارد. چنین ارتباطی نشان می‌دهد شهروندانی که از سطح بالای تأکید بر هویت هنجاری یا هویت آشفته برخوردارند، احتمالاً گرایش‌های محافظه‌کارانه بیشتری از خود بروز می‌دهند. شدت رابطه میان این سبک هویت آشفته و محافظه‌کاری (۰/۱۲۵) و هویت هنجاری و محافظه‌کاری (۰/۳۸۸) از ارتباط متوسط و تقریباً رو به بالا نشان دارد. به عبارتی، با برجسته‌شدن سبک هویت هنجاری و تا حدودی آشفته نزد جوانان سنجی می‌توان انتظار داشت که گونه محافظه‌کارانه ارزش‌های فرهنگی آن‌ها فعال شود. در همین زمینه بایست عنوان شود که ابعاد دیگر ارزش‌های فرهنگی ارتباطی با وضعیت شدت هویت هنجاری پاسخگویان نداشته‌اند، اما میزان تأکید بر هویت آشفته تا حدودی با گونه جهان‌شمولی ارزش‌های فرهنگی ارتباط معناداری داشته است. اگرچه شدت ارتباط میان این دو از رابطه حداقلی میان آن‌ها حکایت دارد، این حداقل حاکی از هماهنگی میان تأکید بر هویت آشفته و ارزش‌های فرهنگی جهان‌شمول است.

باید اشاره کرد که ارتباط مثبت و کاملاً معناداری میان سطح تأکید بر سبک هویت اطلاعاتی و سه بعد ارزش‌های فرهنگی یعنی آمادگی برای تغییر، خودافزایی و جهان‌شمولی و البته ارتباط منفی معناداری میان این متغیر و شاخص محافظه‌کاری وجود دارد. چنین ارتباطی، مطابق انتظار نشان می‌دهد شهروندانی که از سطح بالای هویت اطلاعاتی برخوردارند، احتمالاً گرایش‌های فردگرایانه و کنجکاوانه و همچنین جهان‌گرایانه و جهان‌شمول بیشتری از خود بروز می‌دهند. بیشترین شدت رابطه در این زمینه میان تأکید بر هویت اطلاعاتی با آمادگی برای تغییر بوده است (۰/۲۳۵).

بحث و نتیجه‌گیری

ارزش‌ها به‌مثابه واقعیتی اجتماعی نقش اساسی در شکل‌گیری، کنترل و پیش‌بینی کنش‌ها و گرایش‌های افراد داشته و عنصری مرکزی در ساختار فرهنگی جوامع به شمار می‌روند. ارزش‌ها برای توصیف گروه‌ها و افراد، برای پیگیری تغییرات اجتماعی در طول زمان و برای تبیین مبناهای انگیزشی، نگرش‌ها و رفتارها به کار می‌روند. درعین حال، هویت و هویت‌یابی نیز از جمله مفاهیمی است که توجه بسیاری از جامعه‌شناسان معاصر را به خود جلب کرده‌اند و به‌منزله متغیری اساسی در تمام تبیین‌های اجتماعی و حتی سیاسی-اقتصادی

کاربرد دارند. از این‌رو، هدف این مقاله کنکاش در مورد رابطه ارزش‌ها و هویت در میان جوانان شهر سنندج بوده است.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که می‌توان نشانه‌هایی از هر سه سطح هویتی (اطلاعاتی، هنجاری و آشفته-اجتنابی) را در میان پاسخگویان مشاهده نمود، اگرچه نتایج حاکی از بالابودن شدت معناداری سبک هویت اطلاعاتی نسبت به دو سطح دیگر هویت بوده است. نتایج همچنین حاکی از رتبه بالای هویت آشفته در مقایسه با سبک هویت هنجاری بوده است. در واقع، مهم‌ترین یافته‌های توصیفی بر این نکات تأکید دارند که نخست، هر سه سبک هویت در جامعه آماری از اهمیت برخوردار بوده‌اند. به این معنا که انواع سه‌گانه هویت اطلاعاتی، هنجاری، آشفته هم‌زمان در میان پاسخگویان سنندج قابل‌ملاحظه هستند. دوم، سبک اطلاعاتی هویت از دو سطح دیگر در میان جوانان شدت بیشتری داشته است و این به آن معنا است که هویت اطلاعاتی که مهم‌ترین نشان آن استقلال رأی، کنجکاوی، پرسشگری است در میان جوانان شایع‌تر بوده است و این یافته با بسیاری از مطالعات نظری و تجربی در حوزه مطالعات جوانان و همچنین هویت و جوان از اینگلهارت (2010) تا شوارتز (2015) هماهنگی و همخوانی دارد. همچنین نتایج در زمینه توصیف متغیر جهت‌گیری‌های ارزشی حاکی از آن است که سطح بُعد جهان‌شمولی بالاتر از متوسط و وضعیت ابعاد خودافزایی و به‌ویژه محافظه‌کاری تقریباً در حد متوسط و پایین‌تر از متوسط بوده است.

در واقع، چنین به نظر می‌رسد که گسترش فزاینده تغییرات در حوزه مدرنیزاسیون (و البته نه مدرنیته و تجدد) و به‌ویژه شاخص‌های ارتباطاتی آن از جمله شبکه‌های اجتماعی، دنیای تازه‌ای را به روی جوان ایرانی گشوده است که پیامدهای بسیاری به همراه داشته است که از جمله می‌توان به دو پیامد اصلی آن در رابطه با هویت و سبک‌های هویت‌یابی اشاره نمود: پیامد نخست آن که وجه سلبی و تاحدودی منفی آن است، آشفتگی، ابهام و نوعی سردرگمی در زمینه انتخاب ارزش‌ها، تأکید بر نگرش‌ها و تمایلات است که جوان ایرانی را دچار نوعی "سرگشتگی معنا" و البته هویت نموده است و بهترین بازتاب آن در وجود سبک هویتی آشفته-اجتنابی در میان جوانان سنندجی است که نمود بارز آن اهمال‌کاری، سعی در به تأخیر انداختن موقعیت‌های تعارض‌انگیز و تصمیم‌گیری است. در مواقعی که امکان چنین تأخیری وجود نداشته باشد در تصمیم‌گیری بیشتر به مقتضیات و پیامدهای محیطی تکیه می‌شود، رفتارها الگوی مشخص ندارد و موقعیتی است، این سبک

هویت با هیجان مداری، خود معلولی، راهبردهای نامطلوب تصمیم‌گیری، خودآگاهی محدود، دگر پیروی و به‌کارگیری راهبردهای اسنادی و شناختی ناکارآمد رابطه دارد. دومین پیامد آن که عمدتاً جنبه ایجابی دارد تلاش در راستای تکوین نوعی هویت است که عمدتاً به‌نوعی "افسون زدایی" و "ساخت زدایی" شده و البته مبتنی بر مطالعه، کسب دانش و اطلاعات است که مهم‌ترین مسیر آن همانا گسترش تعاملات میان گروهی واقعی و البته اخیراً مجازی است. از این منظر جوان سنندجی در این‌گونه هویتی، درگیر فرآیند خودکاو‌شگری فعال است و به جست‌وجو، پردازش و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود می‌پردازد؛ او نیاز بالایی به شناخت و پیچیدگی شناختی احساس می‌کند، کم‌تر در جستجوی تأیید و تصدیق دیگران است، به قضاوت‌های خود اعتماد دارد و در برخورد با موقعیت‌های مبهم و افراد جدید پذیرش بالایی دارد (Moghanloo et al, 2011). او به‌طور فعال اطلاعات مربوط به خویش را جستجو کرده، ارزیابی نموده و مورد استفاده قرار می‌دهد. این نوع جدید هویت‌یابی، بدون تردید با انواع هویت‌یابی نسل‌های گذشته در جامعه ایرانی که عمدتاً مبتنی بر سبک هویت هنجاری بوده و هویت خود را بر مبنای تجویزها و انتظارات افراد مهم پاسخ می‌دادند و نیاز قوی به ساختار و حصار شناختی داشتند، متفاوت بوده و از این منظر به نظر می‌رسد یکی از برجسته‌ترین وجوه تفاوت نسلی (گاه از آن به‌عنوان گسست نسلی هم یاد می‌شود) در همین دسته‌بندی‌های هویتی قابل‌شناسایی است و از این‌رو، سنجش تفاوت نسلی در سبک‌های هویتی می‌تواند یکی از موضوعات مورد مطالعه برای پژوهش‌های آتی باشد.

نتایج تحلیلی این مطالعه حاکی از آن است که مطابق انتظارات نظری، تناظر و هماهنگی متقابلی میان ارزش‌های آمادگی برای تغییر و جهان‌شمول‌گرایی و ابعاد و مؤلفه‌های آن و تأکید بر هویت اطلاعاتی برقرار بوده و هم‌زمان میان هویت هنجاری و آشفته با محافظه‌کاری (به ترتیب: ۰/۳۸۸ و ۰/۲۲۵) و مؤلفه‌های آن نیز روابط معناداری وجود داشته است. چنین ارتباطی نشان می‌دهد شهروندانی که از سطح بالای تأکید بر هویت هنجاری برخوردارند، احتمالاً گرایش‌های محافظه‌کارانه بیشتری از خود بروز می‌دهند. به عبارتی، با برجسته‌شدن سبک هویت هنجاری نزد جوانان سنندجی می‌توان انتظار داشت که گونه محافظه‌کارانه ارزش‌های فرهنگی آن‌ها فعال شود. در همین زمینه بایستی عنوان شود که ابعاد دیگر ارزش‌های فرهنگی ارتباطی با وضعیت شدت هویت هنجاری پاسخگویان نداشته‌اند، اما میزان تأکید بر هویت آشفته تا حدودی با گونه

جهان‌شمولی ارزش‌های فرهنگی ارتباط معناداری داشته است. اگرچه شدت ارتباط میان این دو از رابطه حداقلی میان آن‌ها حکایت دارد، این حداقل حاکی از هماهنگی میان تأکید بر هویت آشفته و ارزش‌های فرهنگی جهان‌شمول است.

همچنین، ارتباط مثبت و معناداری میان سطح تأکید بر سبک هویت اطلاعاتی و سه بعد ارزش‌های فرهنگی یعنی آمادگی برای تغییر، خودافزایی و جهان‌شمولی و البته ارتباط منفی معناداری میان این متغیر و شاخص محافظه‌کاری وجود دارد. چنین ارتباطی، مطابق انتظار نشان می‌دهد شهروندانی که از سطح بالای هویت اطلاعاتی برخوردارند، احتمالاً گرایش‌های فردگرایانه و کنجکاوانه و همچنین جهان‌گرایانه و جهان‌شمول بیشتری از خود بروز می‌دهند. بیشترین شدت رابطه در این زمینه میان تأکید بر هویت اطلاعاتی با آمادگی برای تغییر بوده است (۰/۲۳۵). در واقع علت اصلی ارتباط میان سبک هویتی اطلاعاتی و ارزش‌های سه گانه فوق ناشی از محتوای هر دودسته متغیر است که همگی بر خودکاویشگری، جست‌وجو، پردازش و ارزیابی اطلاعات و اعتماد به قضاوت‌های فردی تأکید دارند و از این منظر نوعی پیوند محتوایی میان سبک هویت اطلاعاتی و ابعاد آمادگی برای تغییر، خودافزایی و جهان‌شمولی در ارزش‌های فرهنگی وجود دارد. چنین وضعیتی را بیش از همه می‌توان به تعبیری وبری به‌مثابه نوعی "رابطه یا هماهنگی انتخابی" (Saboori, 2009) میان سبک‌های هویت و ارزش‌های فرهنگی تلقی کرد، چه آنکه معانی و نمودهایی که سطوح متفاوت هویت از خود بروز می‌دهند با پاره‌ای از ارزش‌های فرهنگی هماهنگ و با بعضی دیگر ناسازگار هستند. علاوه بر آن، به نظر می‌رسد که با توجه به محتوا و زمینه هر دو متغیر و زیرمجموعه‌های آن‌ها می‌توان عنوان نمود که این ارتباطات دوسویه‌اند و به معنای اثر علی یکی بر دیگری نیست، چه آنکه هویت خود بر ساخته ارزش‌های فرهنگی است و بر ساختن و تکوین آن البته می‌تواند به تقویت و تمایل ترجیحی ارزش‌های خاص نزد متعلقان به هویت منجر شود.

تشکر و سپاسگزاری

بدین وسیله از توجه و پاسخگویی مایکل برزونسکی طراح انواع سبک‌های هویت‌یابی به سؤالات و ایمیل‌های بنده صمیمانه تشکر می‌نمایم.

تعارض منافع و سهم نویسندگان

نویسنده مقاله به‌تنهایی کار را انجام داده است.

حمایت مالی

این مقاله مستخرج از طرحی تحت همین عنوان است که با حمایت مالی دانشگاه پیام نور انجام پذیرفته است.



References

- Abbaszadeh Jahromi, M. Dezhkam, L. (2013). *An introduction to Islamic anthropology [In Persian]. Qom: Moaref Publication; 84. (In Persian.)*
- Adams, G.R. Berzonsky, M.D. (2003) *Blackwell Handbook of Adolescence*, Oxford: Blackwell.
- Ahmadi, Y (2014) *Typology of Cultural Values Based on Collective Identity (Study: Citizens of Sanandaj)*. Social Issues Journal of Iran. 5 (1) : 7-32. [In Persian].
- Ahmadi, Y. (2014). *Typology of Cultural Values Based on Collective Identity (Study: Citizens of Sanandaj)*. Social Problems Journal. 5 (1) : 35-50. [In Persian].
- Ahmadi, Y. Ghadezadeh, O. (2014). *Typology of Cultural Values Based on Identity*. Social Cultural Development Research Journal. 1 (1) : 34-56. [In Persian].
- Ak, Sh. Maleki, A. Zahedi Mazandarani, M J and Ahmadi, Y. (2018). *The structure of social classes of the Kurdish Makriyan and their value system*. Journal of Ethics. 32 (4) : 23-40. [In Persian].
- Bardi, A., Lee, J. A., Towfi gh, N., and Soutar, G. (2009). *The structure of intraindividual value change*. *Journal of Personality and Social Psychology*, 97 (5) , 913 – 929.
- Bardi Anat, Jaspal, Rusi, Polek, Ela and Schwartz, Shalom H (2014) *Values and Identity Process Theory: theoretical integration and empirical interactions*, In book: Identity Process Theory: Identity, social Action and social change, Chapter: 9, Publisher: Cambridge University Press.
- Berzonsky, D.M. (1990) *“Self-Construction over the Life-Span: A Process Perspective on Identity Formation”*. In G. J. Neimeyer & R. A. Neimeyer (Eds.) , *Advances in Personal Construct Psychology*, 1: 155–186.
- Berzonsky, M & Dennis R. Papini (2014) *Identity Processing Styles and Value Orientations: The Mediation Role of Self-Regulation and Identity Commitment*, *Journal of Identity*, 14:2, 96-112.
- Berzonsky, M. D., Cieciuch, J., Duriez, B., & Soenens, B. (2011). *The how and what of identity formation: Associations between identity styles and value orientations*. *Personality and Individual Differences*, 50, 295–299.
- Bilsky, W., Janik, M., Schwartz, S.H.(2011). *The structural organization of human values-evidence from three rounds of the European Social Survey (ESS)*. *Journal of Cross-Cultural Psychology* 42 (5) , 759–776.
- Castells, M. (2000). *The Power of Identity, Chavoshian Translation*. Tehran: Tarhenow. [In Persian].
- Cramer, P. (2004) *“Identity Change in Adulthood: The Contribution of Defense Mechanisms and Life Experiences”*, *Journal of Research in Personality*, 38:280-316.

- Crocetti, E. Rubini, M. Berzonsky, M.D. Meeus, W. (2009) "**Brief Report: The Identity Style Inventory - Validation in Italian Adolescents and College Students**", Journal of Adolescence, 32: 425-433.
- Durkheim, E., 1897/1964. Suicide. Free Press, Glencoe, I I.
- Erikson, E. (1968). *Identity: Youth and crisis*. New York, NY: Norton.
- Farzanehkho, S M. (2008). *Relationship between Family Performance and Identity Identity of Girl Students in Isfahan City, Master's Degree, University of Isfahan: School of Educational Sciences and Psychology. [In Persian]*.
- Gentz, N. (2006) *Globalization, Cultural Identities, And Media Representations*, State University of New York Press.
- Ghazanfari, A. (2004). *Validation and Standardization of Identity Style Questionnaire (ISI-6G)* , Journal of Educational Studies and Psychology. 3 (17) : 81-96. [In Persian].
- Hejazi, A. Farsinejad, M. (2011). "*Identity Processing Styles in Gender and Culture Interaction*". Journal of Women's Research, 5 (2) : 30-48. [In Persian].
- Hejazi, E. Shahraray, M. Farsinejad, M. Asgary, A. (2009) "*Identity Styles and Academic Achievement: Mediating Role of Academic Self-Efficacy*", Social Psychology of Education, 12:123-135. (In Persian.)
- Hofstede, G. (1984). *Culture's consequences: International differences in work-related values*. Beverly Hills, CA: Sage Publications.
- Hofstede, G. (1991). *Cultures and organizations: Software of the mind*. London: McGraw-Hill.
- Hofstede, G. (1998). *Masculinity and femininity: The taboo dimension of national cultures*. London: Sage Publications.
- Hosseinsab, D. Poursarifi, H. Mohammadi, V. (2009). "*Investigation of the relationship between personality traits and identity types in 3rd grade girl students of Tabriz city in the academic year of 2008*". Journal of Education and Assessment (education). 2 (6) : 81-98. (In Persian.)
- Inglehart, R. Welesl, Ch. (2010). *Modernization, Cultural Change and Democracy*. Translation by Yaghoub Ahmadi, Tehran: Kavir Publication. (In Persian.)
- Inglehart, R., Baker, W.E., (2000). *Modernization, cultural change, and the persistence of traditional values*. American Sociological Review 65, 19-51.
- Jokar, B. Latifian, M. (2006). *Relationship between the dimensions of identity and goal orientation in a group of pre-university students in Shiraz and Yasuj*. Shiraz University of Social and Human Sciences. 25 (4) : 27-49. [In Persian].
- Kazemi, F. Naderi, H. (2014). "*Investigating the Relationship between Identity Styles and Ethnic Identity among Students of Turkmen, Kurd and Mazni*

- Ethnic Groups*", Journal of Social Psychology Researches. 3 (12) : 79-92. [In Persian].
- Lee A Julie., Joanne N. Sneddon, Timothy M. Daly, Shalom H. Schwartz, Geoffrey N. Soutar, and Jordan J. Louviere (2016) *Testing and Extending Schwartz Refined Value Theory Using a Best–Worst Scaling Approach*, Assessment, 12: 1-15.
 - Marcia, J. E. (1966). *Development and validation of ego identity status*. Journal of Personality and Social Psychology, 3, 551–558.
 - Mehrabi Koushki, R. Imam Jumezadeh, J. Masoudnia, H. Rabbani Khorasgani, A. (2016). *The Role of Identity Styles in Explaining the National Identity (Students of Isfahan University)* , Journal of Applied Sociology. 27 (2) : 43-60. [In Persian].
 - Moghanloo, M. Agilar-Vafaei, M. Shahraari, M. (2009). *The Relationship between Identity and Religious Styles in Students*. Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology. 15 (4) : 377-387. [In Persian].
 - Nawabinejad, Sh (2007) *Identity crisis in adolescents, in book: Theoretical Foundations of Identity and Identity Crisis*, by Ali Akbar Alikhani, Tehran: Jihad University. [In Persian].
 - Poursiifi, M S. Ranjbaran, R. (2017). *The Relationship between Identity Styles, Responsibility and Religious Orientation with the Loneliness of Master Students*. Journal of Psychology and Psychiatry. 4 (3) : 10-20. [In Persian].
 - Rokeach, M., 1973. *The Nature of Human Values*. The Free Press, New York.
 - Saboori Kashani, M (2009) *Sociology of Organizations, Tehran: Shabtab Publishing*. Twentieth Edition. [In Persian].
 - Sahabi, J. Aqa Bigpour, H. (2010) *The Impact of the Cultural Dimension of Globalization on Ethnic Identity (A Case Study of 15-29 Years Old Youth in the Boakan City)*. Journal of National Studies. 3 (41) : 135-155. [In Persian].
 - Schwartz, S. H. (1992). *Universals in the content and structure of values: Theory and empirical tests in 20 countries*. In M. Zanna (Ed.) , Advances in experimental social psychology (Vol. 25) (pp. 1-65). New York: Academic Press.
 - Schwartz, S. H. (1994). *Are there universal aspects in the content and structure of values?* Journal of Social Issues, 50, 19-45.
 - Schwartz, S. H. (2005). *Basic human values: Their content and structure across countries*. In A. Tamayo & J. B. Porto (Eds.) , Valores e Comportamento nas Organizações [Values and Behavior in Organizations] (pp. 21-55). Petrópolis, Brazil: Vozes.
 - Schwartz, S. H. (2006). *A theory of cultural value orientations: Explication and applications*. Comparative Sociology, 5, 136-182.
 - Schwartz, S. H. (2007). *Value orientations: Measurement, antecedents and consequences across nations*. In R. Jowell, C. Roberts, R. Fitzgerald & G.

Eva (Eds.). Measuring attitudes cross-nationally: Lessons from the European Social Survey (pp. 161-193). London: Sage.

- Schwartz, S. H., & Bilsky, W. (1987). *Toward a psychological structure of human values*. Journal of Personality and Social Psychology, 53, 550-۵۶۲
- Scyan, P. Changizi, F. (2008). *The Relationship between Differentiation and Identity Styles in Bachelor Students of Tehran University*. The 4th Student Mental Health Seminar in Shiraz, Shiraz University. [In Persian].
- Shahi, Z. Ojinezhad, A R. (2014). *The Effectiveness of Education in a Solution-Based Approach on Increasing the Level of Social Adjustment and Solving the Identity Conflict of Girls*, Journal of Women and Society Adolescents. 5 (1) : 21-40. [In Persian].
- Tabatabaei, N. Tabatabai, S. Mohammadi, ah. (2011). *"The Relationship between Identity Styles and Responsibility with Academic Achievement in Adolescents aged 15 to 18 in Tehran"*. Journal of Social Welfare Research. 12 (44) : 23-42. [In Persian].
- Triandis, H. C. (1995). *Individualism and collectivism*. Boulder, CO: Westview Press.
- Weber, M., 1905/1958. *The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism*. Scribner's, New York.

